

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال پنجم، شماره هفدهم، زمستان ۱۳۹۲

(ص ۹۵-۱۲۶)

دکتر محسن خلیلی*

دانشیار گروه علوم سیاسی

دانشگاه فردوسی مشهد

جهانگیر حیدری**

دانشجوی دکتری گروه جغرافیای سیاسی

دانشگاه خوارزمی

هادی صیادی***

دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی

دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

پیوند زنگان ژئوپلیتیک و سیاست خارجی

نمونه پژوهی: پاکستان و ایران

چکیده

ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه‌ی جغرافیایی ژنتیک سیاست برخاسته از جغرافیای یک کشور است که سیاست خارجی آن کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ایران با دارا بودن ۱۵ کشور همسایه و به‌عنوان یکی از مناطق ژئواستراتژیک جهان، موقعیت برجسته‌ای دارد. شناخت دیدگاه‌های ژئوپلیتیک نشأت گرفته از ژنوم‌های ژئوپلیتیک همسایگان و شناسایی کدهای ژئوپلیتیک کشورهای هدف، می‌تواند نقش مؤثری در اتخاذ سیاست خارجی همراستا با وزن ژئوپلیتیک ایران ایفا نماید. شناسایی ژنوم‌های ژئوپلیتیک پاکستان برای جهت‌شناسی به سیاست خارجی ایران، امری ضروری است. نگارندگان، کوشش نموده‌اند تقابل کد/ژنوم‌های ژئوپلیتیک پاکستان و ایران را تحلیل نمایند.

کلیدواژه‌ها: ژنوم ژئوپلیتیک، کد ژئوپلیتیک، شبه‌قاره، سیاست خارجی، ایران، پاکستان.

*Email: khalilim@um.ac.ir

**Email: jahanheydari@kharazmi.ac.ir

***Email: hadi.sayadi70@azaduthr.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۶

تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۲۹

مقدمه

تعاریف گوناگونی از ژئوپلیتیک وجود دارد: درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت، به نحوی که بتوان در بالاترین سطح وارد بازی جهانی شد و منافع ملی و حیات ملی را حفظ کرد. (عزتی، ۱۳۸۰: ۷) نیز: ژئوپلیتیک شیوه قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل به وسیله‌ی صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای است. (میرحیدر، ۱۳۷۷: ۲۲) همچنین: شناخت صحیح عوامل ثابت و متغیر ناشی از جبر جغرافیایی و تأثیر متقابل آن‌ها و ضرورت‌هایی که سیاست‌های برخورد با آن‌ها را تبیین می‌کند، ژئوپلیتیک نامیده می‌شود. (کاظمی، ۱۳۶۹: ۱۲۹)

نگارندگان، مبحث نقشه‌ی ژنگان ژئوپلیتیک سیاست خارجی را از درون مباحث بیولوژی و ژنتیک انسانی و حیوانی به عاریت گرفته‌اند. ژن دائم خاموش، هیچ‌وقت روشن نمی‌شود و شاید در روند تکامل در زمان‌های بسیار بعد، روشن شود. ژن موقت خاموش تا دوران بلوغ خاموش‌اند؛ ولی با فعل و انفعالات دوران بلوغ، فعال و روشن می‌شوند. ژن غالب، ژن موجود و بروز یافته و ظاهر شده است و ژن مغلوب، ژن موجود بدون بروز و ظهور است. نیز ژن فعال به ژن‌هایی گفته می‌شود که در روند وجود یک موجود، قابل مشاهده است. بیش از نود و هشت درصد از ژن‌های هر موجود زنده‌ای، خاموش و غیرفعال است که به صورت بالقوه، احتمال فعال و شکوفاشدن آن ژنوم‌ها در نسل‌های بعدی وجود دارد. از این ژن‌های غیرفعال و خاموش، ممکن است درصدی ژن دائم خاموش باشد؛ به طور مثال در آناتومی جانوری مثل مار، زائده‌های داشتن دست و پا وجود دارد؛ اما این ژن‌ها، دائم خاموش بوده و امکان شکوفایی آن به ندرت وجود دارد. همچنین ژن موقت خاموش، آن ژن‌هایی است که تا دوران بلوغ خاموش‌اند؛ ولی با فعل و انفعالات دوران بلوغ، فعال و روشن می‌شوند. به طور مثال رنگ چشم یا رنگ پوست یک فرد ممکن است شباهتی به پدر و مادر آن نداشته؛ اما به علت فعال شدن یک ژن موقت خاموش که از نسل‌های گذشته به ارث رسیده است، رنگی متفاوت در خصوصیات فیزیکی فرد ظاهر کند. نگارندگان، کوشش می‌کنند چنین مبحثی را در زمینه‌ی تقابل کد و ژنوم ژئوپلیتیک سیاست خارجی دو کشور ایران و پاکستان، به کاربندند. بنابراین، در این زمینه، پژوهش‌هایی که به ایده‌ی نگارندگان نزدیک باشد، بسیار نادر هستند. وجود برخی نوشتارها همچون نظیف‌کار و نوروزی، نقوی، نامی،

مسعودنیا و نجفی، مسعودنیا و شاه‌قلعه، کاویانی، خسروی، پیشگاهی فرد و میرزاده کوهشاهی، جوادی ارجمند، بیدالله‌خانی و رضایی‌زاده، حسین پورپویان، مجتهدزاده و احمدی‌پور، حسین پورپویان، مجتهدزاده، حافظ‌نیا و عزتی، احمدی و بیدالله‌خانی، آدمی، پیشگاهی فرد و قدسی، حافظ‌نیا، غلام‌سرور، دین‌محمدی، محمدی، برزگر، یزدانی و شجاع، حاتمی‌راد، ملکوئیان، احمدی، به‌عنوان تسهیل‌کننده‌ی مسیر پژوهش پیش‌رو، به‌کار آمده‌اند.

در این پژوهش با تأکید بر تحلیل کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک کوشش نموده‌ایم، تقابل کد/ژنوم‌ها و پیامد آن بر سیاست خارجی پاکستان و ایران را بررسی نماییم. نگارندگان، درصدد پاسخ به این سؤال هستند که در عرصه‌ی تقابل سیاست خارجی اهرم‌های ژئوپلیتیک تا چه اندازه تأثیرگذارند؟ به‌نظر می‌رسد در ارتباط با کشور پاکستان، ژن موقت خاموشی وجود داشته باشد که عبارت است از عدم افراز و تفکیک مرز دریایی ایران و پاکستان در فلات قاره در دریای عمان. این ژن ممکن است در طول زمان و دهه‌های آینده به‌عنوان یک منشأ اختلاف، ظاهر گردد. ژنوم‌های ژئوپلیتیک رشد و هابی‌گری و بنیادگرایی، وجود مشکل مشترک اقلیت بلوچ، فدرالیسم پاکستان، تقابل سیاست‌های خارجی در افغانستان، ایدئولوژیک‌گرایی نظام‌های سیاسی و وجود اقلیت‌های آریایی تبار در پاکستان، از ژنوم‌هایی قلمداد می‌گردند که به‌صورت فعال و غالب وجود دارند و سیاست خارجی هر دو کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

مبانی نظری

ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه‌ی جغرافیایی ژنتیک سیاست در یک کشور است که تأثیری بسزا در شکل‌بخشیدن به رفتارهای نظام سیاسی در نظام بین‌الملل دارد. همان‌گونه که انسان‌ها، مطابق با نقشه‌ی ژنتیک خود عمل می‌کنند، کشورها را نیز، کدهای ژنتیک راهبری می‌نمایند. (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۱) ژنوم ژئوپلیتیک تحت شرایطی اگر بتواند بین منافع و اهداف ملی یک کشور یا بازیگر سیاسی با ارزش‌ها و مزیت‌های جغرافیایی کشورها و بازیگران دیگر وابستگی ژئوپلیتیک ایجاد نماید، این وابستگی متقابل جغرافیایی، فلسفه‌ی همکاری و تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم جهانی می‌گردد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۶) کشورهای وابسته به مزیت‌های جغرافیایی دیگران در صورتی که فاقد عوامل و مزیت‌های جغرافیایی متوازن‌کننده باشند، در موضع ضعف قرار گرفته و سیاست ملی و خارجی آن‌ها متفعل شده و منافع و اهداف

ملی آن‌ها با چالش و تهدید مواجه می‌گردد. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۶) همچنین، کد ژئوپلیتیک عبارت است از دستورکار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. کد ژئوپلیتیک به‌نوعی، نتیجه‌ی استدلال ژئوپلیتیک عملیاتی است که شامل مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های سیاسی-جغرافیایی مربوط به زیرساخت سیاست خارجی یک کشور است. کدهای ژئوپلیتیک هر کشور اختصاصی آن است و کشورها سعی می‌کنند برای رسیدن به منافع خود، بر کدهای ژئوپلیتیک دیگران تأثیر گذارند. در واقع ژنوم ژئوپلیتیک یا نقشه‌ی ژنگان یک کشور به‌عنوان کدهایی ژئوپلیتیک از جانب کشورهای رقیب و همسایه قلمداد گشته و برنامه‌های تصویری و ذهنی سیاست خارجی یک کشور نسبت به کشور هدف را راهبری می‌نمایند؛ یعنی یک کشور براساس نقشه‌ی ژنگان خود، سیاست خارجی خود را سازماندهی می‌کند و کشور رقیب با توجه به کدهای ژئوپلیتیک موجود در آن کشور، سعی بر خنثی‌سازی سیاست‌های خارجی آن کشور دارد.

پس می‌توان گفت کد ژئوپلیتیک با ژنوم ژئوپلیتیک، متفاوت است: ۱- کد ژئوپلیتیک همان ژنوم‌های ژئوپلیتیک موجود در کشور رقیب یا کشور هدف است. ۲- ژنوم ژئوپلیتیک همان واقعیت‌های جغرافیایی موجود در محدوده‌ی مرزهای سیاسی کشور خودی است. ۳- کد ژئوپلیتیک درحیطه‌ی مطالعاتی مباحث مرتبط با ژئوپلیتیک است. ۴- ژنوم ژئوپلیتیک درحیطه‌ی مطالعاتی مباحث مرتبط با جغرافیای سیاسی است. ۵- از برقراری ارتباط مؤثر بین ژنوم‌های خودی با کدهای کشور رقیب، یک سیاست خارجی برمبنای واقعیت و به‌دور از آرمان‌گرایی شکل می‌گیرد. ۶- ژنوم با مقدمات ملی نیز اختلاف معنی دارد؛ چراکه مقدمات ملی به آن‌دسته از مؤلفه‌های جغرافیایی و انسانی اطلاق می‌گردد که موجب قدرت ملی گردد. این مؤلفه‌ها در دوران‌های متفاوت زمامداری، ممکن است متمایز باشند؛ به‌طورمثال، ناسیونالیسم یکی از مقدمات ملی ایرانیان در زمان حکومت پهلوی‌ها بوده است. درحالی‌که بعد از انقلاب، ایدئولوژی شیعه و ژئوپلیتیک شیعه یکی از مؤلفه‌های کسب قدرت ملی قلمداد می‌شود. اما ژنوم ژئوپلیتیک تمام عواملی را که در قدرت ملی یک کشور، نقش مثبت و منفی - بالفعل و بالقوه - داشته باشد، مورد مطالعه قرار می‌دهد. ۷- کد ژئوپلیتیک درحوزه‌ی مطالعات سیاست خارجی و در راستای توسعه‌ی دامنه نفوذ سیاسی به‌کارگرفته شده و شناسایی می‌شود. ۸- ژنوم ژئوپلیتیک

در حوزه ی مطالعات سیاست داخلی قرارداداشته و در راستای جلب رضایت هموطنان و توجیه داخلی و بسترسازی سیاست خارجی، به کارگرفته شده و شناسایی می گردد.

۱- ژنوم های جغرافیای مؤثر بر سیاست خارجی پاکستان

پاکستان با مرز مشترکی به طول ۸۹۱ کیلومتر، یکی از همسایگان جنوب شرقی ایران می باشد. ژنوم های جغرافیای مؤثر در سیاست خارجی پاکستان عبارتند از:

۱-۱- موقعیت ژئواستراتژیک پاکستان

باتوجه به استراتژی های «بری» و «بحری»، سه صحنه ی عملیات وجود دارد: صحنه ی عملیاتی اقیانوس اطلس، صحنه ی عملیاتی اقیانوس آرام، صحنه ی عملیاتی اقیانوس منجمد شمالی. هر صحنه ی عملیاتی، دارای شاخک هایی است که نقش ژئواستراتژیک دارد و نکته ی مهم این است که برای شروع جنگ، نقاط بحرانی از همین شاخک ها آغاز می شود. این شاخک های عملیاتی برای صحنه ی عملیاتی اقیانوس آرام که پاکستان هم در مجموعه ی آن قرار دارد، شامل خلیج فارس، دریای عمان و دریای سرخ است که خلیج فارس و دریای عمان در این بین، نقش مهم تری داشته و ایران و پاکستان به عنوان مراکز ثقل این صحنه های عملیاتی مطرح هستند. (عزتی، ۱۳۷۳: ۱۰) پاکستان در صحنه ی عملیاتی اقیانوس آرام، در قلمرو جغرافیایی یکی از معبرهای استراتژیک آسیا است. این معبر استراتژیک از گردنه های هیمالیا به سمت رودخانه سند در غرب است و قسمت اعظم آن در کنترل پاکستان است. بنابراین در طرح ریزی نیروهای استراتژیک به منظور پدافند از جنوب آسیا این واقعیت ژئواستراتژیک باید مد نظر قرار گیرد. درواقع، ژئوپلیتیک انرژی و خط لوله صلح، به دلیل وجود منابع اندک گاز طبیعی و تقاضای بالای انرژی در هند و پاکستان، در زمره ی بازارهای هدف کشورهای دیگر به شمار می رود. (پیشگاهی فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۸۹)

۱-۲- فرقه گرایی و قوم گرایی و دسته بندی احزاب

تعصبات فرقه گرایانه و جنگ های فرقه ای یکی از مشخصه های کشور پاکستان است. گروه های فرقه گرا با توجه به انگیزه های قومی، دینی و مادی شکل گرفته و رهبران آنها بر اساس برداشت های خود، نوعی احساس تنفر و انتقام جویی از گروه های رقیب را در بین پیروان خود تبلیغ می نمایند. این عناصر، جوامع را به درگیری های قومی و بحران های دیگری از قبیل تروریسم و تجزیه طلبی سوق می دهند. برخی از صاحب نظران، جنگ های فرقه ای در پاکستان را،

نتیجه‌ی سیاست‌های غلط بریتانیا می‌دانند و معتقدند سرزمین بزرگ هند براساس قومیت‌های دینی تقسیم‌بندی شده است. پیدایش گروه‌های فرقه‌گرای پاکستان به عوامل مهم دیگری نیز بستگی داشت که فقدان دموکراسی و تحریک عناصر بیگانه، جزئی از آنهاست. بعد از به بن‌بست رسیدن اقداماتی که برای اجرای دموکراسی در سال‌های ۱۹۵۰، ۷۷-۱۹۷۱ و ۱۹۷۹ و در نتیجه‌ی این شکست‌های پیاپی، نظامیان، فئودال‌ها و متنفذان قومی که به وسیله‌ی نیروهای فرقه‌گرا حمایت می‌شدند، به منصب‌های بالای کشوری دست یافتند و برای پیشبرد اهداف خود فرقه‌گرایی و فرهنگ کلاشینکف را بر جامعه‌ی پاکستان مسلط نمودند. لذا تنوع و پراکندگی قومی در پاکستان، تلاش آن‌ها برای گرفتن امتیازات بیشتر از حکومت مرکزی نیز از جمله مشکلات عمده پاکستان از آغاز استقلال تاکنون بوده است. وجود قومیت‌های بلوچ، پشتون، پنجابی و سندھی در پاکستان و پراکندگی آن‌ها در حاشیه‌ی مرزها و گسترش آن‌ها در خاک کشورهای همسایه (ایران، افغانستان و هند) از جمله دغدغه‌های مهم دولت پاکستان است. علاوه بر درگیری‌های قومی، فرقه‌گرایی تجزیه‌گرایانه و جنگ‌های مذهبی و تروریسم نیز از دیگر مشکلات پاکستان است. (ایزدوست، ۱۳۸۰: ۳۹-۳۸) در واقع، وقوع جنگ‌های تروریستی و فرقه‌ای که عمدتاً به وسیله‌ی گروه‌های مذهبی صورت می‌گیرد، از نظر مقامات پاکستانی اکنون به‌عنوان یک تهدید بزرگ برای امنیت ملی پاکستان به حساب می‌آید و استراتژیست‌های این کشور مطرح کرده‌اند که اگر روزی این گروه‌ها، به بمب‌های هسته‌ای پاکستان دسترسی پیدا کنند، آن‌وقت چه تهدیدی برای پاکستان و منطقه آسیای مرکزی و جنوب آسیا به‌وجود خواهد آمد. (Farouqi, 2001:57)

۱-۳- ژئوکالچر «عوامل فرهنگی» و ایدئولوژیک

کشور پاکستان از متغیر مذهب (فرقه‌ی وهابیت) به‌طور کامل تأثیر می‌پذیرد. بخشی از اختلافات این کشور با همسایگان، ناشی از رقابت با تداخل دیرینه‌ی منابع و علایق فرهنگی است. این منابع مشاجره، در شمار منابع «ژئوکالچر» محسوب می‌شود. رقابت‌های دیرینه‌ی قومی/ ملی‌گرایانه و تلاش برای صدور ارزش‌های فرهنگی و گستراندن نظام ارزشی و حمایت از هم‌کیشان، بخشی از عملکرد این کشور است. در واقع، گسترش دامنه‌ی نیروهای ایدئولوژیک

در تعقیب مخالفان تا آن سوی مرز و کنترل ایدئولوژیک منطقه، بخشی از نتایج رقابت‌های سیاسی-فرهنگی این کشور با همسایگان به‌شمار می‌رود. (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۸۹)

۱-۴- گروه‌های فشار ذی نفوذ

پس از حادثه ی یازدهم سپتامبر، گروه‌های ذی نفوذ پاکستان، به دو گروه اصلی سیاسی تقسیم شده اند: احزاب بنیادگرا (معتقدان به بنیادگرایی اسلامی)، گروه نخبگان طرفدار غرب. تا قبل از یازدهم سپتامبر، ارتش پاکستان برای کنترل این کشور با احزاب بنیادگرای پاکستان متحد شده بود؛ اما پس از حمله ی آمریکا به افغانستان، احزاب بنیادگرا موضع مخالفت با مسئولان نظامی پاکستان را درپیش گرفته‌اند. از جمله مهمترین مناطقی که در آن تعداد بنیادگرایان بیش از سایر ایالات پاکستان است، می‌توان به بلوچستان و ایالت سرحدی شمال غربی اشاره نمود. این دو ایالت، تعداد زیادی از مدرسه‌های بنیادگرا را در خود جای داده است. (نظیف‌کار، ۱۳۸۲: ۱۵۱)

۱-۵- استراتژی منطقه‌ای/هندی و نبرد با کشورهای دیگر

مهم‌ترین استراتژی منطقه‌ای پاکستان، استراتژی دفاعی این کشور در منطقه ی جنوب آسیا به‌ویژه در قبال هندوستان است. مقامات ارشد پاکستانی به خوبی از این حقیقت آگاهند که نیروی دفاعی پاکستان با نیروهای هندی برابر نیست؛ از این رو اجتناب از جنگ، اولین هدف در سیاست امنیتی پاکستان محسوب می‌شود. پاکستان در سیاست منطقه‌ای خود، از استراتژی دفاعی پیروی می‌کند. می‌توان گفت اتخاذ استراتژی متعارف آفندی پاکستان «دفاع آفندی» مشخص و شناخته می‌شود. دکترین دفاع آفندی ضربه‌ای سریع و پیشگیرانه را تجویز می‌نماید. در این دکترین به‌دست آوردن منطقه ی نفوذ در قلمرو دشمن برای استفاده ی ابزاری از آن در مذاکرات صلح، یکی از ارکان اصلی به‌شمار می‌آید. بعد از دهه ی ۱۹۹۰ و فروپاشی شوروی، حوزه ی آسیای مرکزی و حضور در این حوزه و همچنین عضویت در سارک و سازمان همکاری‌های اقتصادی (ا.کو)، مورد توجه شدید پاکستان است. به‌طور کلی پاکستان، بیش‌تر از آن‌چه که به منافع بین‌المللی اهمیت دهد، به منافع منطقه‌ای خود توجه می‌نماید و در این زمینه، بیشتر به توسعه ی روابط دوجانبه با همه ی کشورهای منطقه‌ای به‌ویژه چین و کشورهای اسلامی می‌اندیشد. در دوره‌ی کوتاه تاریخی ۵۰ ساله‌ی پاکستان، این کشور با رقابت‌ها و چالش‌هایی مانند بحران خاورمیانه، تجاوز شوروی سابق به افغانستان، فعالیت‌های نظامی نیروهای متحدشده در

افغانستان مواجه شده است. (Pakistan, almance, 2001-2002:165) آغاز نبرد با کشورهای دیگر، به خصوص هند، با توجه به پیشرفت‌های تسلیحاتی و تجهیز دو کشور به سلاح‌های هسته‌ای و تکنولوژی پرتاب آن‌ها، نسبت به جنگ‌های پیشین، ابعاد جغرافیایی گسترده‌تری خواهد داشت. چنین نبردی، امنیت داخلی کشورهای جنوب شرقی را با تهدید مواجه خواهد ساخت. بخشی از نتایج این نبرد عبارتند از: ورود سیل پناهندگان و گسترش ناامنی‌های حاصل از آن، خطر تشعشعات هسته‌ای ناشی از به‌کارگیری این سلاح‌ها، تنش ناشی از تقاضای بلوچ‌ها برای حمایت از پاکستان و یا ایجاد زمینه‌ی مناسب برای افزایش تقاضای خودمختاری یا وحدت قومی. (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۶۶)

۱-۶- قدرت هسته‌ای پاکستان

پاکستان تلاش‌های هسته‌ای‌اش را ناشی از تهدید دائمی هند و اقدامی واکنشی قلمداد می‌کند و از این نظر آن‌را کاری صرفاً دفاعی به حساب می‌آورد؛ اما ایران از سه جهت می‌تواند نگران مسابقه‌ی تسلیحاتی در شبه‌قاره و به‌ویژه پاکستان باشد: الف: آزمایش‌ها، تحقیقات و انفجارهای هسته‌ای پاکستان در ایالت بلوچستان؛ یعنی در نزدیکی مرز ایران صورت می‌گیرد. نگرانی ایران به آلودگی استان‌های شرقی از این آزمایش‌ها و انفجارها، برای شهروندان بلوچ و سیستمی قابل درک است؛ ب: استقرار یک حکومت بنیادگرای افراطی شبیه طالبان در پاکستان که از توانایی هسته‌ای بالایی برخوردار باشد، علاوه بر هند، برای ایران نیز خطرناک و تهدیدآمیز خواهد بود؛ اما تهدیدی جدی‌تر، سرقت پلوتونیوم یا بمب‌های کوچک و قابل حمل هسته‌ای این کشور به وسیله‌ی سازمان‌ها و گروه‌های ذی‌نفوذ بنیادگرا برای انجام عملیات تروریستی در ایران است؛ پ: موضع پاکستان به‌عنوان یک قدرت هسته‌ای همجوار در برابر ایران و به‌ویژه در زمینه‌ی مسایل مورد اختلاف، قوی‌تر و استوارتر از موقعیت پیشین است. طبیعی است که پاکستان از این برتری، حداکثر بهره‌جویی را خواهد داشت. (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۶۷)

۱-۷- استقلال طلبی پشتون‌ها

منطقه قبایلی که به اختصار FATA (فتا) یا «منطقه به‌لحاظ اداری خودمختار» خوانده می‌شود، به‌وسیله‌ی خط دیورند (خط مرزی افغانستان و پاکستان که هیچ‌گاه مورد قبول افغانستان واقع نشده است) از افغانستان جدا می‌شود. به‌لحاظ جغرافیایی، منطقه قبایلی از غرب با افغانستان

همسایه است، از شرق با دو ایالت سرحد و پنجاب پاکستان و از جنوب با ایالت بلوچستان پاکستان هم مرز است. این منطقه، به هفت ناحیه قبیله‌ای تقسیم می‌شوند که عبارتند از: مهمند، باجور، کورام، اورکزی، خیبر، وزیرستان جنوبی و وزیرستان شمالی. اگرچه ساکنان این منطقه همگی پشتون هستند؛ اما خود به گروه‌های قومی کوچک‌تر تقسیم می‌شوند که با نام همان نواحی قبیله‌ای خوانده می‌شوند. این منطقه به صورت خودمختار اداره می‌شود و اگرچه در خاک پاکستان قرار دارد؛ اما دولت مرکزی پاکستان و یا دولت‌های ایالتی، حق مداخله در امور داخلی این منطقه را ندارند. تا قبل از مداخله ی آمریکا در افغانستان، منطقه قبایلی فقط در پرتو اختلافات پاکستان و افغانستان بر سر «خط دیورند» مورد توجه قرار می‌گرفت؛ اما پس از حمله آمریکا، طالبان در این منطقه مستقر شدند و از این زمان به بعد بود که منطقه قبایلی به محلی برای مشاجره تبدیل شد. این مشاجره دارای ۳ وجه بود: پاکستان و سران منطقه قبایلی، پاکستان و آمریکا، پاکستان و افغانستان. مشاجره ی پاکستان با سران قبایل، یک وجه تاکتیکی و یک وجه استراتژیک داشت: وجه تاکتیکی حول مخالفت ظاهری پاکستان با سران قبایل به دلیل پناه دادن به طالبان و القاعده دور می‌زد. وجه استراتژیک، حول تلاش پاکستان برای بهره‌برداری از وضع موجود جهت بسط حاکمیت خود به منطقه قبایلی بود. در همین حال افغانستان و آمریکا، دولت پاکستان را به دلیل استقرار طالبان و القاعده در خاک این کشور، مورد نکوهش قرار دادند. بنابراین منطقه قبایلی می‌تواند به‌عنوان ابزاری در دست پاکستان یا افغانستان جهت تعدیل و تنظیم رفتار یکدیگر مورد استفاده قرار گیرد. قومیت و خودمختاری منطقه قبایلی یک عامل کلیدی در نقش‌آفرینی این منطقه در مناسبات افغانستان و پاکستان است. هرگاه افغانستان اراده کند می‌تواند با بهره‌گیری از ناسیونالیسم پشتون، ساکنین قبایل را علیه پاکستان تحریک کند و برعکس پاکستان نیز می‌تواند با تحریک همین احساسات، آن‌ها را علیه دولت کابل تحریک کند. در حال حاضر به دلیل استقرار طالبان در این منطقه که اغلب از قومیت پشتون هستند و نیز به دلیل حمایت پاکستان از طالبان، منطقه قبایلی به سود پاکستان عمل می‌کند؛ اما هرگاه پاکستان قصد داشته باشد علیه طالبان عمل کند و یا حاکمیت خود را بر این مناطق گسترش دهد، ساکنین قبایل به سمت افغانستان و علیه پاکستان وارد عمل می‌شوند. هرگونه تغییر و تحولات جدایی‌طلبی پشتون‌ها بر کشورهای دیگر نیز، تأثیرگذار خواهد بود.

۲- ژنوم‌های جغرافیای مؤثر بر سیاست خارجی ایران

از شاخص‌های مهم سیاست‌گذاری ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، دارا بودن عوامل طبیعی، داشتن تنوع در مرزها، دسترسی یا عدم دسترسی به آب‌های آزاد، تعداد همسایگان و برخورداری از جایگاه کشوری در مجموعه نظام بین‌الملل است که از آن به ژئوپلیتیک تعبیر می‌شود. (گل‌وردی، ۱۳۸۹: ۱۱) واحدهای سیاسی با توجه وزن ژئوپلیتیک و مقدرات ژنوم جغرافیایی در تعاملات مثبت یا منفی با دیگر واحدهای سیاسی به‌ویژه قدرت‌های جهانی متأثرند. کشور ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای، دارای ژنوم‌های ژئوپلیتیک با بار مثبت و منفی است.

۲-۱- تنگه استراتژیک هرمز و دارا بودن سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان

دراختیارداشتن تنگه‌ی راهبردی هرمز و برخورداری از موقعیت گذرگاهی، ایران را مسلط به بهترین گلوگاه اقتصادی و انرژی جهان گردانیده است. اهمیت راهبردی تنگه‌ی هرمز، چنان است که در این باره گفته‌اند: «تنگه‌ی هرمز ممکن است ما را در یک جنگ زود هنگام گرفتار کند. در صورت وقوع، عوامل مختلف نظیر جغرافیا، انرژی، اقتصاد و امنیت درهم می‌آمیزد و موقعیت حساسی را به وجود می‌آورند.» (گل‌وردی، ۱۳۸۹: ۱۲) یکی دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد ایران، همانا دارا بودن مرزی طولانی در خلیج فارس و دریای عمان است که ایران را به آب‌های آزاد متصل می‌کند و به تعبیر اسپایکمن، ایران از موقعیت بحری نیز برخوردار است. داشتن چنین ویژگی مهمی، ایران را نسبت به دیگر کشورهای همسایه و حتی منطقه‌ی جنوب غربی آسیا متمایز کرده است. (گل‌وردی، ۱۳۸۹: ۱۱) موقعیت خلیج فارس و دریای عمان در جنوب، بهترین و مطمئن‌ترین موقع سیاسی را برای مرزهای جنوبی فراهم آورده است. (اخباری، ۱۳۸۸: ۱۷۹)

۲-۲- تکثر قومی و تنوع زبانی

قومیت و ناسیونالیسم قومی با هر تعریف، مفاهیمی مرتبط با مقوله هویت و مؤثر بر هویت دولت و یا در رقابت با آن هستند. یک گروه قومی از آن رو با گروه‌های قومی دیگر تمایز و مرزبندی دارد که هویتی متفاوت - خواه واقعی یا تصوری - برای خود قایل بوده و کمابیش براساس همین تمایز هویتی رفتار می‌کند. این مفروضه، گزاره‌ای مورد مناقشه نیست. نکته‌ی مهم مناقشه‌انگیز، نحوه‌ی تأثیرگذاری این متغیر هویت بخش بر سیاست خارجی است. (حق‌پناه، ۱۳۹۰:

۸۴) اگرچه بیشتر حرکت‌های تجزیه طلبانه در محدوده‌ی سرزمینی کشورها محصور است؛ اما وقتی که حکومت‌ها نتوانند به نیازها و تقاضاها پاسخ مناسب دهند و یا نتوانند به طریق مناسب به سرکوب یا مهار تجزیه طلبانه اقدام کنند، گرایش به کسب حمایت خارجی، به‌ویژه از سوی کشورهای همسایه و گروه‌هایی که با آنها وابستگی قومی، نژادی و یا مشترکات فرهنگی دارند، تقویت می‌شود. اتحاد بین گروه‌های محلی و ناحیه‌ای ناراضی و بازیگران خارجی، موجب درهم بافته شدن تهدیدات داخلی و خارجی می‌شود و در نتیجه، مدیریت امنیت ملی را با مشکل مواجه می‌سازد. ایران به‌طور طبیعی، دارای تکثر قومی است و یکی از ناهمگن‌ترین کشورهای خاورمیانه به حساب می‌آید. تنوع فرهنگی و قومی از ویژگی‌های جامعه‌ی ایران است؛ به‌طوری که ایران از نقطه نظر ناهمگنی زبانی در شمار ده کشور نخست دنیا و اولین کشور از این نظر در جهان اسلام شمرده می‌شود و بارها در طول حیات سیاسی خود، شاهد اوج‌گیری تنش‌هایی با منشأ قومی بوده (کریمی پور، ۱۳۸۸: ۱۷)، به این دلیل باید درصدد شناسایی دقیق و طبقه‌بندی پتانسیل‌های مثبت و منفی این ژن بود.

۲-۳- ژنوم قدرت نرم، پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگی و ژنوم ایدئولوژیک پایه شیعه‌گرایی

قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و منابع یک کشور چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی اطلاق می‌شود که به‌صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها، اثر می‌گذارد. (هرسیج، ۱۳۸۸: ۲۲۶) قدرت نرم، توجه به اشغال فضای ذهنی شهروندان دیگر جوامع، از طریق ایجاد اقناع است و هدف آن در درجه‌ی نخست، افکار عمومی خارج از کشور است. در قدرت نرم، باید دید دنیا چگونه به ما می‌نگرد، نه این که ما به دنیا چگونه می‌نگریم. قدرت نرم هر کشوری در ابتدا از سه منبع سرچشمه می‌گیرد: فرهنگ (بخش‌هایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش‌های سیاسی (زمانی که منطبق با افکار عمومی داخل و خارج باشد)، سیاست خارجی. (زمانی که مشروع و اخلاقی تلقی شوند) به‌طور کلی ایران، بیشترین میزان کاربرد قدرت نرم‌افزاری را در منطقه‌ی ژئوپلیتیک اورآسیای مرکزی به میزان ۷۶/۲۸ درصد داراست. (حق پناه، ۱۳۹۰: ۲۶۲) ایران پایگاه اصلی تشیع در خاورمیانه است. بعد از حمله‌ی آمریکا به عراق، نقش مذهب شیعه در تحولات مذهبی خاورمیانه مشخص‌تر شده؛ زیرا نقطه‌ی مهم جغرافیایی شیعیان، مناطقی است که بر روابط قدرت در سطح منطقه و جهان، تأثیرگذار

است و خصوصاً در سواحل خلیج فارس و در حوزه‌های نفتی پراکنده شده‌اند. بالغ بر ۷۰ درصد جمعیت سواحل خلیج فارس شیعه هستند. این عامل بر اهمیت ژئوپلیتیک مذهب شیعه می‌افزاید. (قصاب‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۲۹) سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات اجتماعی و افزایش همبستگی ملی بر بنیاد «سیاست تکثرگرایی وحدت‌طلب دینی» بنا شده است. (ترابی، ۱۳۸۸: ۱۵۲) انقلاب اسلامی ایران مهم‌ترین جرقه‌ی خیزش و تقویت شیعه را به وجود آورد و شیعیان در کشورهای مختلف منطقه، ایران را مأمونی برای خود تصور می‌کردند. پیشینه‌ی دولت در فضای جغرافیایی فلات ایران به اوایل قرن هشتم پیش از میلاد بازمی‌گردد. شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی باعث شد که اقوام ایرانی متحد شوند و نخستین دولت فراگیر را با نام «دولت ماد» و به مرکزیت هگمتانه تشکیل دهند. (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۷) منظومه‌ی فرهنگی ایران، محصول چند هزارساله‌ی ملتی کهن و برآیند تعامل جمعی گروه‌های قومی است که هویت فرهنگی ایران را شکل بخشیده‌اند و هر یک به سهم خود، بر آن لایه‌هایی گوناگون افزوده‌اند و در نهایت، در این هویت کلان فرهنگی، مستحیل و خود بخشی از آن شده‌اند؛ در واقع، هویت فرهنگی ایران، چتر گسترده و فراگیری است که در عین حال، همه اقوام و گروه‌های قومی را در خویش جای داده است. از ویژگی‌های تاریخی ایران می‌توان به تنوعات فرهنگی و اجتماعی اشاره کرد که با این وجود همه‌ی گروه‌ها در اغلب ادوار تاریخی با همدیگر، همزیستی مسالمت‌آمیز داشته‌اند و هویت ایرانی بودن، آنان را در صف متحدی قرار داده است. به تعبیر «گوینو»، ایرانیان مردمی هستند که با ما تفاوت فاحشی دارند؛ آنان از پیوند نژادهای مختلف به وجود آمده‌اند؛ ولی هویت خود را نگه داشته‌اند. این قوم اندیشه‌ها و منافع خود را به هم پیوسته و همانند یک تنه، به هم تنیده‌اند؛ به نحوی که هر یک از آن تاروپود می‌تواند کشیده و دراز شود، بدون آن که به هم گره بخورند. (ترابی، ۱۳۸۸: ۱۱۷)

۲-۴- ژنوم موقعیت نسبی و محوریت در نظریه‌های ژئوپلیتیک

بر اساس نظریه‌ی مکیندر شمال ایران، جزء ناحیه محوری هارتلند و دیگر قسمت‌ها جزء هلال داخلی (حاشیه‌ای) است. (زین‌العابدین، ۱۳۸۹: ۵۲) بر اساس نظریه‌ی اسپایکمن ایران در محدوده‌ی سرزمین حاشیه یا ریملند قرار دارد که این منطقه، امکان ترکیب قدرت بری و بحری را بهتر فراهم می‌سازد. از طرف دیگر، بیشترین منابع نیروی انسانی و سهولت ارتباط در این بخش

از جهان وجود دارد. (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۴) براساس نظریه برژینسکی، آمریکا منطقه ی خلیج فارس را بعد از اروپا و امریکا، سومین خط دفاعی استراتژیک خود محسوب می دارد. بنابراین کنترل مناطق و نقاط استراتژیک، به ویژه تنگه ی هرمز، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. از مهمترین مبانی اهمیت و موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک خلیج فارس، ذخایر عظیم نفت و گاز در آن است. حدود ۶۶ درصد ذخایر شناخته شده نفت جهان در این منطقه قرار دارد و حدود ۶۰ درصد نفت جهان از تولیدات نفتی هشت کشور نفتی خلیج فارس تأمین می شود. (نامی، ۱۳۹۱: ۱۴)

۳- مهم ترین چالش ها در روابط پاکستان و ایران

۳-۱- چالش اقتصادی

الف- رقابت در آسیای مرکزی: یکی از منابع جدید رقابت بین دو دولت، تلاش آن ها در دهه ی اخیر برای ورود به بازار آسیای مرکزی و قرار گرفتن در مسیر انتقال لوله گاز به شبه قاره و اقیانوس هند است. در این رقابت، پاکستان، حمایت طبیعی افغانستان را به همراه دارد. استقرار دولتی فراگیر و باثبات در افغانستان، موضع اسلام آباد را نسبت به ایران تقویت خواهد کرد (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۷۱) که در صورت عملی شدن، منطقه ی شرق ایران که مهمترین راه توسعه ی آن ترانزیت کالا است، با مشکل مواجه خواهد شد و همچنان سایه ی فقر و ناامنی بر آن حاکم خواهد بود.

ب- بندر دریایی گوادر پاکستان: بندر گوادر در منتهی الیه جنوب غربی پاکستان و در ساحل خلیج گوادر در دریای عمان قرار گرفته است. فاصله ی این بندر تا کراچی مرکز ایالت سند ۸۰۰ کیلومتر است. به دلیل شرایط خاص آب و هوایی منطقه که گرم و بیابانی است و فاصله ی زیاد آن با مراکز سیاسی، اقتصادی و جمعیتی پاکستان و همچنین محدود شدن کلیه ی فعالیت های اقتصادی و تجاری پاکستان به بندر بزرگ و استراتژیک کراچی، توسعه ی بندر گوادر در گذشته، مورد بی توجهی مقامات پاکستانی قرار گرفته بود. منطقه ی آزاد گوادر در حال حاضر به نماد و اوج همکاری های اقتصادی چین و پاکستان تبدیل شده است. توسعه و تجهیز این منطقه برای پاکستان و چین، دارای آثار اقتصادی و استراتژیک بسیاری است و دو کشور، اهداف کلانی را از اجرا و مشارکت در آن جستجو می کنند. دولت پاکستان تحت تأثیر عوامل مختلف داخلی و منطقه ای و بین المللی، ایجاد و توسعه ی گوادر را در دستور کار خود

قرار داده است. عوامل داخلی به عقب‌ماندگی غرب پاکستان و ایالت بلوچستان و نقش ناچیز آن در اقتصاد ملی برمی‌گردد. عوامل منطقه‌ای به وضعیت روبه‌ثبات افغانستان و رقابت سیاسی و نظامی پاکستان با هند مربوط می‌شود. به لحاظ بین‌المللی نیز، این کشور به دنبال یافتن جایگاه مثبت و مطمئن در تعاملات اقتصادی جهان و آسیاست. عینی‌ترین و مهم‌ترین اثر منفی این طرح، تضعیف ماهیت وجودی منطقه‌ی آزاد چابهار در جنوب شرقی ایران است. بدون تردید در شرایط کنونی، گوادر مهم‌ترین و قوی‌ترین رقیب تجاری و اقتصادی چابهار به‌شمار می‌آید. با وجود این‌که منطقه‌ی آزاد چابهار نزدیک به یک‌دهه است که فعالیت خود را آغاز کرده؛ اما به دلایل مختلف از جمله مشکلات زیرساختی نظیر فقدان سیستم حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای و هوایی مناسب نتوانسته است موفقیت‌چندانی در تجارت و ترانزیت کالا از چابهار به کشورهای افغانستان و آسیای مرکزی پیدا کند و در شرایط کنونی با توجه به کندی توسعه‌ی زیرساخت‌های منطقه، به دلیل کمبود اعتبارات و مشکلات خاص دیگر، چشم‌انداز این بهبود موقعیت در میان‌مدت، چندان امیدوارکننده به‌نظر نمی‌رسد. این وضعیت به‌گونه‌ای است که چابهار با توجه به اهمیت استراتژیک آن هنوز در اقتصاد ملی نیز، موقعیت واقعی خود را به‌دست نیاورده است. در این شرایط و با توجه به حضور یک قدرت اقتصادی جهان (چین) در بندر گوادر و سرمایه‌گذاری عظیم در آن و همچنین با توجه به سرعت عمل زیاد در اجرای طرح‌های زیرساختی (حداقل تا ۵ سال آینده)، به‌نظر می‌رسد منطقه‌ی آزاد چابهار از گردونه‌ی رقابت، عقب افتد و مزیت نسبی خود را در ترانزیت کالا به افغانستان و آسیای مرکزی از دست بدهد. به‌طور طبیعی، علاوه بر چین و پاکستان، افغانستان نیز می‌تواند از منافع ترانزیت کالا به آسیای مرکزی، بهره‌ی لازم را ببرد و بنابراین مشوق این امر است. این مهم در سطح کلان‌تر، طرح استراتژیک محور شرق را نیز تحت‌تأثیر قرار خواهد داد. مزیت قابل توجه و مهم بندر گوادر در مقایسه با چابهار، نزدیکی این بندر به کراچی و اتصال آن از طریق بزرگراه مکران است. بدون تردید، نزدیکی و اتصال پایتخت اقتصادی پاکستان به گوادر، عامل بسیار مهمی در توسعه و تجهیز این بندر است. از سوی دیگر، ایجاد بندر آزاد گوادر، باعث جذب و تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و تجاری بسیاری از کشورها در این بندر با توجه به سرعت عمل در فرآیند توسعه و تجهیز زمینه‌های ارتباطی آن است. یکی از الزامات توسعه‌ی اقتصادی و تجاری منطقه‌ی

خلیج فارس، وجود یک مرکز تجاری در سواحل شمالی آب‌های دریای عمان است. چابهار و گوادر، بهترین موقعیت را برای این مهم دارند. هر یک از این دو منطقه که سریع‌تر به نتیجه برسند و از امکانات و تسهیلات بیش‌تری برخوردار گردند، بیش‌تر می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی و تجاری را جذب نمایند. علاوه بر موارد فوق، به‌طور طبیعی، ایجاد پایگاه نظامی و تجهیز نیروهای دریایی و هوایی پاکستان و چین در کنار مرزهای آبی و خاکی ایران، حساسیت‌ها و آسیب‌پذیری‌های خاص خود را همراه دارد.

۳-۲- چالش مرزی

کره ی زمین‌متشکل از دو بخش خشکی و آبی است و در بخش خشکی زمین، تعداد ۴۱ کشور هستند که محصور در خشکی هستند که ماحصل سیاست‌های استعمارگران انگلیسی، روسی، فرانسوی، آلمانی است و یا از تجزیه ی امپراطوری‌های بزرگی چون شوروی، بیرون آمده‌اند؛ یا از ابتدای تاریخ (مغولستان) محصور در خشکی بوده‌اند که در نقشه ی سیاسی جهان در قرن ۱۹ به بعد ظاهر شدند و مرزبندی برای این‌گونه کشورها، بدون توجه به شرایط جغرافیایی انسانی و طبیعی صورت می‌گرفته است. از مهم‌ترین منابع تنش بین کشورها، مرزهای خشکی است. در هر حال تنش بین کشورها منحصر به خشکی‌ها نمی‌شود و در مناطق آبی (غیر خشکی) هم وجود دارد. تنش‌ها می‌تواند برای کنترل آبراه‌ها یا تنگه‌ها (تنگه هرمز)، وجود منابع نفت و گاز در فلات قاره (خلیج فارس) و یا بندری ساحلی (چابهار و گوادر) روبه‌رشد و توسعه باشد که همه ی این‌ها، ناشی از عدم مشخص بودن مرزهای دریایی بین کشورهای ساحلی است. در حال حاضر در ارزیابی قدرت هر حکومت، همواره عامل دوری یا نزدیکی با دریا مورد نظر بوده و براساس همین عامل، نظریه‌های مهم ژئوپلیتیک هارتلند (مکیندر) و تفوق قدرت دریایی (ماهان) ارائه شده است. دریاها قابلیت مانور بیشتری در جابجایی نیروها و تسلیحات نظامی و کالاها بین کشورها برعهده دارند و محدودیت‌هایی که در خشکی برای انتقال از یک یا چند کشور هست، وجود ندارد و این به خاطر پیوستگی سطوح آبی است. ایران هم از تنش مرزهای دریایی در شمال (دریای خزر) و در جنوب (خلیج فارس و دریای عمان) بی‌نصیب نمانده است.

الف- مرز دریایی گوادر: هرچند ایران و پاکستان اختلاف‌های عمده در زمینه‌ی مرزهای خشکی ندارند؛ ولی مسأله‌ی مرز دریایی این دو کشور در خلیج گواتر، هنوز به سرانجام نرسیده است. انزوای جغرافیایی این خلیج به دلیل پرت‌بودن، دورافتادگی و ناشناخته‌بودن قابلیت‌های عظیم دریای عمان و اقیانوس هند برای ایرانیان، باعث کم‌رغبتی و یا حساسیت اندک دولت‌ها، نسبت به تعیین مرز دریایی در این خلیج شده است. این در حالی است که قابلیت‌های عمده‌ی گوادر در آینده‌ای نزدیک، ایران و پاکستان را وارد این عرصه خواهد کرد. (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۶۹)

ب- حقایق‌ی رودهای مرزی: ایالت بلوچستان پاکستان و استان سیستان و بلوچستان، در شمار مناطق دارای اقلیم صحرائی به‌شمار می‌روند. در حالی که مهم‌ترین مانع توسعه‌ی این استان، تنگناهای آبی اعلام شده است. هرچند رودخانه‌های مرزی لادیز و نهنگ، دارای رژیم نزدیک به سیلابی و متغیرند؛ اما برداشت‌های آبی دو طرف از این رودخانه‌ها، ممکن است منبع تنش و مشاجره‌ی ایران و پاکستان را در مقیاس محلی و منطقه‌ای در دو سوی مرز فراهم آورد.

ج- گسست فضایی: جدا بودن قطب‌های اصلی سیاسی-اقتصادی و جمعیتی دو کشور، از لحاظ گسستگی عمیق فضاها، سرزمینی در اثر وجود بیابان‌ها، کویرها و قلمروهای کم‌تراکم جمعیتی، موجب کاهش سطح تعاملات کلان در اغلب بخش‌های اقتصادی و فرهنگی دو کشور شده است. (پیشگاهی فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۹۴)

۳-۳- چالش سیاسی

الف- افغانستان: از هنگام تأسیس پاکستان تاکنون، مناسبات دیپلماتیک این کشور با ایران، تحت تأثیر موضع آن‌ها نسبت به افغانستان بوده است. در حالی که در روابط ایران و پاکستان، تعارض ژئوپلیتیک عمده‌ای به چشم نمی‌خورد و از سوی دیگر، افغانستان پس از هند، دومین منبع تهدید تاریخی برای تمامیت ارضی این کشور به حساب می‌آید، اسلام‌آباد در دو دهه‌ی اخیر، بخش عمده‌ای از انرژی خود را به سوی افغانستان سوق داده است. از نظرگاه اسلام‌آباد، یک حکومت بنیادگرای مذهبی برخلاف نظامی ملی‌گرا، ادعای ارضی بر ایالت سرحد و منطقه‌ی قبیله‌ای شمال غرب را نخواهد داشت و از جمله خط مرزی دیورند را خواهد پذیرفت. آن‌هم به دلیل توجه ماهوی‌شان به اسلام به‌عنوان متحدکننده‌ی اصلی. شایان ذکر است که تاکنون

دولت‌های افغانستان حتی طالبان، از پذیرش مرزی که در ۱۸۹۳ بین شبه‌قاره و افغانستان به این دولت تحمیل شد و به نام مؤسس آن دوران مشهور است، امتناع ورزیده‌اند؛ اما تهران از استقرار رژیم متعصب سنی در کابل، روابط احتمالی تنگاتنگ آن با دولت‌ها، سازمان‌ها و محافل بنیادگرای سنی به‌ویژه گروه‌های وهابی‌خشنود نیست. این نوع رژیم‌ها با طرح عقاید متروک فرقه‌ای، می‌توانند نامنی را در مرزهای شرقی ایران به وجود آورند. تفاوت دیدگاه‌های تهران و اسلام‌آباد درباره‌ی نوع حکومت آینده‌ی افغانستان که مبتنی بر منافع استراتژیک آن‌هاست، از سال ۱۹۹۲ شکاف نسبتاً عمیق و در حال گسترشی را بین دو کشور به وجود آورده است. (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۷۲)

ب- درگیری‌های فرقه‌ای پاکستان: گسترش درگیری‌های فرقه‌ای در پاکستان به‌ویژه تداوم حملات تروریستی گروه‌های وهابی به شیعیان پاکستانی و اعمال فشار بر آن‌ها، ترور دیپلمات‌های ایران به دست گروه‌های افراطی از جمله سپاه صحابه و واکنش ضعیف اسلام‌آباد در برابر آن‌ها، حاکی از قدرت‌یابی این گروه‌ها و افزایش نفوذ آن‌ها در ارکان تصمیم‌گیری دولت‌های فدرال و ایالتی است. در حال حاضر، ایران به شدت از موضع‌گیری‌های ضعیف پاکستان و برخورد جانبدارانه یا همراه با تساهل دستگاه‌های تصمیم‌ساز این دولت به‌ویژه قوه‌ی قضائیه‌ی این کشور در برخورد با عاملان ترور دیپلمات‌های خود ناخشنود است. تهران، تساهل اسلام‌آباد را در این زمینه با تردید می‌نگرد و آن را نشانه‌ی نفوذ عوامل افراطی سنی و وهابی در دستگاه‌های تصمیم‌ساز پاکستان می‌داند. به هر حال استمرار فشار تشکلی‌های افراطی بنیادگرا علیه شیعیان این کشور، بر مناسبات دو دولت مؤثر است. (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۶۵)

۳-۴- چالش نظامی - امنیتی

ایران در محیط پیرامونی خود، همواره با چالش‌های متعددی روبه‌رو بوده و این مشکلات در تمام حوزه‌های محیط امنیتی بازتولید شده، به‌گونه‌ای که این کشور هنوز نتوانسته است در این حوزه‌ها، شاهد شکل‌گیری چارچوب امنیتی پایدار و ثبات مورد توافق باشد. در گذشته، چالش‌های امنیتی ایران که از محیط پیرامونی آن ناشی می‌شد، اشکال متفاوتی داشت و نامنی‌های مرزی و بی‌ثباتی‌های موقت تا حملات و جنگ‌های طولانی‌مدت نظامی را دربرمی‌گرفت. اکنون نیز این مسأله در قالب‌های مختلفی تجلی یافته است. تروریسم و افراط‌گرایی، دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای، سه چالش

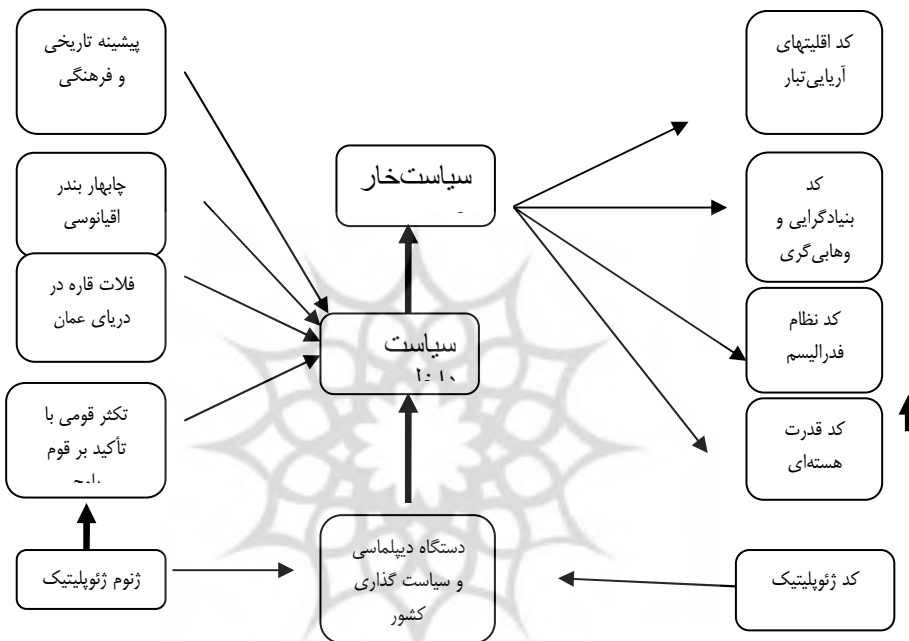
امنیتی اصلی در پیرامون ایران محسوب می‌شود که با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ دارند. دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار، چالش اساسی‌تری هستند که باعث تحریک دو مؤلفه‌ی دیگر؛ یعنی اشاعه‌ی تروریسم و افراط‌گرایی و نیز گسترش نفوذ و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای است. تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و قومی در طول سال‌های اخیر افزایش یافته و این امر نظم و ثبات سیاسی-اجتماعی و پیشرفت اقتصادی کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. وهابیت و سلفی‌گری به عنوان یک ایدئولوژی مذهبی افراطی، منبع عمده‌ی گسترش تروریسم و تنش‌های مذهبی است و این ایدئولوژی به واسطه‌ی آشفتگی کلی منطقه‌ای و برخی ملاحظات سیاسی بازیگران ذینفع، فضای گسترده‌تری برای تأثیرگذاری پیدا کرده است. هرچند که تمرکز سیاست خارجی ایران در سه قرن اخیر بر روی مرزهای غربی این کشور قرار داشته، اما عملاً این کشور از سوی مرزهای شرقی خود دچار صدمات مهمی شده است، به نحوی که پس از تقسیم شبه‌قاره در ۱۹۴۷ و وقوع اختلافات مرزی میان هند و پاکستان از یک سو و پاکستان و افغانستان از سوی دیگر و نیز وقوع کودتای کمونیستی در افغانستان، ایران همواره با معضلات امنیتی در مرزهای شرقی خود مواجه بوده است. اثرات منفی ناشی از بی‌ثباتی‌ها در میان کشورهای شرقی، همواره بر ایران مترتب شده و نگرانی‌های امنیتی در شرق را به یکی از معضلات اصلی ایران مبدل ساخته است.

۴- مدل تأثیر و تقابل ژنوم و کد ژئوپلیتیک در سیاست داخلی و خارجی

در این مدل نمایش داده می‌شود که کدهای ژئوپلیتیک که در کشور پاکستان وجود دارد از یک طرف و ژنوم‌های ژئوپلیتیک که در کشور ایران وجود دارد از طرف دیگر، و هر کدام به طریقی عرصه‌ی سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های سیاسی داخلی و خارجی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین این مدل نمایان می‌سازد که شناخت ژنوم‌های ژئوپلیتیک که منبع جغرافیایی دارند، می‌توانند به صورت ریشه‌ای، سیاست داخلی را سامان داده و مبنایی مستحکم جهت اخذ تصمیمات در عرصه‌ی سیاست خارجی را فراهم نمایند. شناخت ژنوم‌های ژئوپلیتیک، درک درستی از واقعیت‌های جغرافیایی را به ذهن سیاست‌گذاران متبادر می‌نماید که مسلماً منشأ نتایج مطلوب در عرصه‌ی سیاست خارجی نیز به بار می‌آورد. کار جغرافی‌دان سیاسی باتوجه به مدل این است که درک واقعیت‌های جغرافیای سیاسی کشور خود را جهت

سیاست‌گزینی مطلوب در عرصه‌ی سیاست داخلی، سرلوحه‌ی کار قرار دهد و با درک واقعیت‌های جغرافیایی کشورهای هدف که از آن به‌عنوان کد ژئوپلیتیک یاد می‌شود، شرایط را برای توسعه نفوذ سیاست‌خارجی مهیا نماید.

نمودار (۱): مدل تقابل و تعامل کد/ژنوم ژئوپلیتیک در روابط ایران و پاکستان



مدل برساخته‌ی نگارندگان

نتیجه

ایران به‌خاطر داشتن جمعیت زیاد، ثبات سیاسی، منابع بالقوه اقتصادی و از همه مهم‌تر داشتن بیش‌ترین ساحل در خلیج فارس و تسلط بر تنگه‌ی استراتژیک هرمز و همچنین اتصال آن به کشورهای آسیای مرکزی و دریای خزر، همانند پلی بین سه قاره‌ی آسیا، اروپا و آفریقا اهمیت ژئوپلیتیک فوق‌العاده‌ای دارد. از طرفی پاکستان، با استفاده از نزدیکی جغرافیایی با کشورهای خلیج فارس، همکاری‌های خود را به‌منظور جذب سرمایه‌ی این کشورهای نفت‌خیز گسترش می‌دهد. موقعیت جغرافیایی این کشور در همجواری با دریای عمان و نزدیکی به تنگه‌ی

هرمز موجب گردیده تا پایگاه‌های هوایی و دریایی این کشور در سواحل دریای عمان، نقش مهمی را در منطقه ایفا نماید. از این جهت پاکستان در منطقه ی اقیانوس هند، از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. به‌طور کلی ژنوم‌های تأثیرگذار ژئوپلیتیک بر روابط پاکستان و ایران عبارتند از: ژنوم ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک: زمانی که استقلال و تمامیت ارضی، وحدت و امنیت ملی و ارزش‌های اساسی دولت-ملت به فضاهای جغرافیایی و سیاست ملل دیگر پیوند خورد، منابع ژئوپلیتیک مشاجره شکل خواهد گرفت. در واقع آن‌جا که سیاست خارجی ملت‌ها و یا استراتژی‌های نظامی آن‌ها، تحت تأثیر محیط و فضای جغرافیایی، به‌ویژه موقعیت نسبی است، مسایل ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک شکل می‌گیرند. بر این اساس، منبع چالش دو کشور در این عرصه عبارت است از حضور نظامی ایالات متحده در پاکستان؛ زیرا منافع متضاد دو کشور آمریکا و ایران در منطقه و ایفای نقش پاکستان به‌عنوان میزبان و عقبه ی لجستیک ارتش آمریکا در صحنه ی افغانستان از عوامل عمده ی چالش در روابط دو کشور ارزیابی می‌شود. گرچه مقامات پاکستانی بارها اعلام و تأکید نموده‌اند که به هیچ‌وجه سرزمین این کشور در اجرای عملیات علیه ایران به‌کار نخواهد رفت؛ اما همواره پتانسیل ایجاد تنش در روابط (تا شکل‌گیری بحران‌های عمیق) وجود خواهد داشت. کارکرد مرزی: گرچه مرز ۸۹۱ کیلومتری ایران و پاکستان از نظر تهدید استراتژیک، امن محسوب می‌شود؛ اما از منظر کارکردهای مرزی، نقش مؤثری در تقویت نیروهای واگرا داشته و در زمره ی مرزهای بد و بسیار ناامن برای دو کشور به‌ویژه ایران، محسوب می‌گردد؛ به‌نحوی که می‌توان از آن به‌عنوان «مناطق شکننده» یاد کرد. مرز دو کشور از طرف پاکستان کاملاً رها شده و دولت پاکستان در آن‌جا، هیچ‌گونه اعمال حاکمیتی ندارد. از این‌رو زمینه‌های فراوان عملکردهای منفی مهیاست. عملکرد بسیار نامطلوب این مرز، ریشه در تکوین تاریخی آن دارد. این مرز از نظر جداسازی قوم بلوچ و توزیع و پراکندگی آن از جمله مرزهای تحمیلی محسوب می‌شود. ژنوم ژئوکالچر «عوامل فرهنگی» و ایدئولوژیک: تأثیرپذیری کامل کشور پاکستان از متغیر مذهب (فرقه ی وهابیت) و شکل‌گیری تضادهای عمیق ایدئولوژیک بین دو کشور، پتانسیل بالقوه‌ای را برای چالش‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی فراهم نموده است. نمود عینی این تقابل در صحنه ی رویارویی میان طالبان و گروه‌های جهادی طرفدار ایران در کشور افغانستان، کاملاً هویدا بود. تهدیدهای قومی: تأثیرپذیری مردم بلوچستان ایران از

فرهنگ بلوچستان پاکستان با تحركات و القانات فرامرزی موجب کمرنگ شدن روحیه ملی و کاهش اقتدار مرکزی شده و زمینه‌های آن روبه‌گسترش است. به‌طور مثال، اگر تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، پوشیدن لباس محلی بلوچ، نوعی ارتجاع و عقب‌افتادگی محسوب می‌شد، اکنون این اقدام نه تنها رایج که به یک ارزش اجتماعی تبدیل شده است. در حال حاضر با تبلیغات وسیع خارج از مرز (به‌ویژه از سوی عربستان سعودی، امارات متحده و عمان) و همچنین کم‌توجهی حاکمیت، زمینه‌های گرایش به فرهنگ آن سوی مرزها روبه‌افزایش است.

جدول (۱): نقاط قوت همجواری با کشور پاکستان

۱	قابلیت نظامی و دفاعی مناسب ایران و استان سیستان نسبت به کشورهای افغانستان و پاکستان
۲	وجود ناهمواری‌ها و ویژگی‌های طبیعی مناسب جهت دفاع در مقابل حملات زمینی در شرق ایران
۳	انجام طرح انسداد مرز و تجهیز مرز به موانع فیزیکی و الکترونیکی
۴	وجود نهادها و سیستم‌های اطلاعاتی و اشراف اطلاعاتی مناسب نسبت به گروه‌های برانداز، معاند، اشرار و جاسوسان
۵	جایگزینی سواحل جنوب شرق در امر صادرات و واردات کالا برای خروج نسبی ایران از تنگنای تنگه هرمز
۶	وجود رودخانه‌های دائمی و فصلی در بلوچستان (سرباز، بساوکلات) و وجود هیرمند و دریاچه‌های نیمه‌طبیعی چاه نیمه در سیستان
۷	چشمه‌های آب گرم و معدنی و دریاچه‌های سواحل عمان و دریاچه‌های آب شیرین هامون هیرمند و هامون صابری در راستای توسعه صنعت گردشگری
۸	تنوع محیط‌های طبیعی و بکر بودن پهنه‌های وسیع
۹	امکانات بالقوه معدنی در زمینه سنگ‌های تزئینی و مصالح ساختمانی، کانسارهای مس، کرومیت، منگنز و منیزیم و گل سفید و صدف‌های ساحلی و همچنین امکان دستیابی به منابع نفت در سواحل مکران
۱۰	نقش ترانزیت در ایجاد ارزش افزوده و اشتغال محلی بالا با توجه به مزیت‌های نسبی این صنعت در استان
۱۱	منابع دریایی غنی، مانند انواع ماهیان، میگوها و غیره در جهت توسعه شیلات
۱۲	ایجاد زمینه‌های لازم برای جذب جمعیت از سایر مناطق کشور و افزایش سهم جمعیتی استان از کل جمعیت کشور با توسعه نیروی دریایی
۱۳	وجود مراکز علمی و تحقیقاتی نظیر دانشگاه‌های متعدد در استان
۱۴	ملی‌گرایی بلوچ‌ها به‌خاطر پیوندهای تاریخی، زبانی و فرهنگی بلوچ‌ها با ایران
۱۵	فقدان گرایش‌های سیاسی قوی در میان بلوچ‌های ایرانی

جدول (۲): نقاط ضعف همجواری با کشور پاکستان

۱	فقر منابع آبی، سطح نازل بارندگی، بیلان منفی سفره‌های آب زیرزمینی، پراکندگی سفره‌های زیر زمینی و کیفیت نامطلوب آب به‌ویژه در بخش ساحلی
۲	دورافتادگی و در حاشیه قرارگرفتن استان استراتژیک سیستان و بلوچستان از مراکز اصلی جمعیت و محورهای توسعه کشور، تراکم اندک جمعیت و پراکندگی مناطق زیست
۳	نبود جزایر در سواحل دریای عمان
۴	ناپسامانی و ضعف نگران‌کننده شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی استان‌های شرقی از جمله نرخ بیکاری
۵	میزان بالای بیکاری (۳۰٪ در سال ۱۳۸۴) و کاهش درآمدهای ناشی از فعالیت‌های مختلف اقتصادی در استان (عمدتاً ناشی از فراهم‌نشدن فرصت‌های شغلی کافی، خشکسالی بلندمدت استان، عدم جذب سرمایه‌گذاری‌ها به دلیل پایین‌بودن ضریب امنیت استان و ریسک بالای فعالیت‌های اقتصادی)
۶	کثرت بازرسی‌های امنیتی در گمرک فرودگاه و مبادی ورود و خروج استان‌های شرقی کشور
۷	فاصله ی شاخص‌های توسعه ی انسانی استان‌های شرقی با سطح ملی
۸	رشد سریع و ضریب جوانی بالای جمعیت
۹	مشکلات مرزی (فقر، قاچاق، بیکاری، رودخانه‌های مرزی و پهنه‌های خالی از جمعیت و شیوع بیماری‌های مشترک دام و انسان)
۱۰	تعصبات شدید مذهبی بلوچ‌ها و همگرایی بیش‌تر آن‌ها با گستره ی فرامرزی قومی خود
۱۱	رویکرد مناطق آزاد کیش و قشم به ایجاد زیر ساختارها، تسهیلات، تأسیسات و خدمات گردشگری جهت جذب گردشگران داخلی و خارجی به‌عنوان رقیب منطقه ی آزاد چابهار
۱۲	حاشیه‌نشینی گسترده در شهرهای بزرگ استان سیستان و بلوچستان
۱۳	توان کم ساختمان‌ها در مقابل زلزله و سایر بلایای طبیعی در استان‌های شرقی کشور
۱۴	فقدان مشارکت موثر مردم در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، به‌ویژه در حوزه ی صنعت و معدن
۱۵	مهاجرت و کمبود نیروی کار جوان و آموزش‌دیده در استان‌های شرقی کشور
۱۶	احتمال بروز مخالفت در گروه‌ها و نهادهای سنتی و مذهبی استان‌های شرقی با طرح‌های توسعه‌ای و مانع‌تراشی در راه توسعه و پیشرفت طرح‌ها
۱۷	بالابودن میزان ریسک امنیتی ناشی از فعالیت‌های مسلحانه افراد شرور در سطح بعضی از مناطق استان
۱۸	ساختار اجتماعی منطقه که مبتنی بر جوامع عشیره‌ای، روستایی و شهری با اقتصاد عقب‌مانده است و محدودیت منابع تولیدی موجب هدایت نامشروع و غیرقانونی و پدیدآمدن نوعی نظام ارزشی ضدتوسعه
۱۹	کمبود شدید آب برای مصارف تولیدی و شرب و بهداشتی در بیش‌تر نقاط شهری و روستایی استان‌های شرقی
۲۰	ماهیت سیلابی اکثر رودخانه‌های فصلی استان‌های شرقی

جدول (۳): تهدیدات همجواری با کشور پاکستان

۱	مجاورت با محور قاچاق مواد مخدر و کالا (مرزهای پاکستان و افغانستان)
۲	سرمایه‌گذاری چینی‌ها در بندر گوادر پاکستان در حوزه‌ی زیرساخت‌ها و تأسیسات به‌عنوان رقیب بندر چابهار
۳	عدم وجود ارتباطات بانکی، مالی و پولی مناسب با کشورهای همجوار (افغانستان و پاکستان)
۴	توجه صرف به بازارهای کشورهای همسایه و عدم حضور کشور مقابل در بازارچه‌های منتهی به مرز
۵	پایین‌بودن سطح بهداشت در مناطق مجاور مرزهای خارجی و انتقال انواع بیماری‌ها به داخل مرزهای کشور
۶	تنش‌های سیاسی در کشورهای قرارگرفته در مسیر کریدور شمال - جنوب (آسیای مرکزی و پاکستان) و در نظر گرفته نشدن مسیرهای جایگزین
۷	تردهای مرزی و مبادلات میان اقوام و طوایف استان با کشورهای همسایه و مشکل شدن کنترل نواحی مرزی
۸	تأثیرگذاری ساکنان کشورهای عقب‌افتاده پاکستان و افغانستان بر فرهنگ ساکنان مناطق مرزی استان به‌دلیل وجود ارتباط میان آن‌ها
۹	بروز اختلاف و برخورد میان کشورهای منطقه و بروز ناآرامی‌های سیاسی (افغانستان، پاکستان و هند)
۱۰	ترانزیت مواد مخدر از پاکستان و افغانستان با استفاده از موقعیت گذرگاه بین‌المللی مواد مخدر و زمینه‌سازی ناامنی و تردهای غیرمجاز از مرزهای استان و ممانعت از برقراری امنیت و انباشت سرمایه در گسترش فعالیت‌های رسمی اقتصادی
۱۱	وجود گروه‌های تروریستی و معاند با حمایت آمریکا در مرزهای ایران و پاکستان
۱۲	تعصبات شدید مذهبی با گرایش وهابی از طریق حمایت عربستان سعودی در ابعاد اقتصادی و مذهبی
۱۳	پراکندگی قوم بلوچ در سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان و اشتراکات قومی، زبانی و مذهب
۱۴	احیای قدرت فرقه‌های طالبان، القاعده، سپاه صحابه، وهابیون افراطی، با همراهی و موافقت کشورهای اشغال‌گر افغانستان و پاکستان
۱۵	حضور قدرت‌های مداخله‌گر مخالف ایران در افغانستان و پاکستان به‌دلیل عدم حضور به‌موقع و مناسب ایران در خلأ قدرت ایجادشده و احتمال پیوستن افغانستان و پاکستان به پیمان نظامی آمریکا محور ناتو و تکمیل حلقه‌ی محاصره‌ی فیزیکی ایران
۱۶	وجود نرخ بیکاری بالا و حضور تعداد زیاد نیروی کار خارجی (افغانی و پاکستانی) در استان سیستان و بلوچستان و تشدید اقدامات ضدامنیتی (جاسوسی) در صورت بروز بحران
۱۷	تغییر هویت در بعضی مناطق استان سیستان و بلوچستان از جمله سیستان به‌خاطر حضور فراوان اتباع خارجی مخصوصاً افغان‌ها
۱۸	افزایش شدید هزینه‌های بهداشتی و درمانی به‌خاطر ارائه‌ی خدمات به اتباع خارجی در استان
۱۹	تنوع جریان‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی و عدم اعمال کنترل بر آن‌ها؛ منازعات و تعارضات و واگرایی اجتماعی ناشی از آن
۲۰	اختلاف سطح توسعه‌ی نواحی مرزی کشورهای منطقه (افغانستان، ترکمنستان، ایران)
۲۱	عدم وجود ارتباط ریلی با داخل کشور و فرسوده‌بودن ارتباط ریلی با کشور پاکستان

جدول (۴): فرصت‌های همجواری با کشور پاکستان

۱	قابلیت ترانزیتی استان به دلیل همجواری با کشورهای پاکستان و افغانستان و دسترسی به آب‌های آزاد خارج از تنگه ی هرمز
۲	نقش ترانزیتی استان‌های شرقی کشور به عنوان پل ارتباطی کشورهای آسیای مرکزی با آب‌های آزاد و پاکستان
۳	امکان استفاده از قابلیت وجود ۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی و نزدیکی مناطق ساحلی این استان با کشورهای جنوبی خلیج فارس و دریای عمان و ارتباط سریع با هند و پاکستان و کشورهای آفریقایی برای توسعه ی فعالیت‌های بازرگانی بندری و گردشگری
۴	شرایط ممتاز استان برای تصدی نقش در بازرگانی ملی و ترانزیت خارجی میان اروپا و آسیای مرکزی با آسیای شرقی و جنوبی و شاخ آفریقا و امکان ایجاد و توسعه ی مبادلات قانونی در زمینه ی برق و گاز
۵	وجود مکان استراتژیک بندر چابهار جهت تبادلات بین کشورهای حوزه ی خلیج فارس، پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی
۶	انتقال گاز طبیعی از منطقه ی عسلویه به ایران شهر در طرح خط لوله ی صلح (ایران- پاکستان- هند)
۷	طرح بین‌المللی کریدور شمال - جنوب (هلسینکی) و عبور بخشی از آن از مناطق جنوب استان سیستان و بلوچستان
۸	امکان اتصال خط آهن از زابل به مرز میرجاوه و پاکستان به دنبال اتصال راه‌آهن سراسری به زاهدان و اتصال آن به پاکستان و شبه‌قاره
۹	وجود فضاهای طبیعی بدیع دریایی و تاریخی برای توسعه ی صنعت توریسم

یادداشت:

این نوشتار، برگرفته از یک طرح پژوهشی است که در قالب طرح شماره‌ی یک و با شماره‌ی ۲۷۴۶۰، زیر عنوان «پیوند کد/ ژنوم ژئوپلیتیک و سیاست خارجی: ایران و همسایگان» در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۹، به تأیید معاونت پژوهش و فن‌آوری دانشگاه فردوسی مشهد رسیده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- آدمی، علی، **تأثیر انرژی بر گسترش همکاری‌های ایران با شبه‌قاره**، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۲، شماره ۳، تابستان ۱۳۸۹، صص ۷-۲۸، ۱۳۸۹.
- ۲- احمدی، عباس و محمدرضا حافظ‌نیا، **موانع و شیوه‌های بازدارنده ی تجدیدحیات شیعه در جهان**، شیعه‌شناسی، سال ۸، شماره ۱، تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۵۵-۱۹۳، ۱۳۸۹.
- ۳- احمدی، حمید و آرش بیدالله‌خانی، **طالبان پاکستان: علل پیدایش، ماهیت و چالش‌های امنیتی**، سیاست، دوره ۴۲، شماره ۱، بهار ۱۳۹۱، صص ۲۱-۳۷، ۱۳۹۱.
- ۴- اخباری، محمد و محمدحسن نامی، **جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران**، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸.
- ۵- ایزددوست، مصطفی، **گزارش تحلیلی «نقش ارتش در حیات سیاسی پاکستان»**، سیاست خارجی، سال ۱۶، شماره ۲، صص ۵۳۵-۵۴۸، ۱۳۸۰.
- ۶- پیشگاهی‌فرد، زهرا و امیر قدسی، **«بررسی و تحلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیک پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها»**، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، بهار ۱۳۸۷، صص ۸۱-۹۹، ۱۳۸۷.
- ۷- پیشگاهی‌فرد، زهرا و مهدی می‌رزاده کوهشاهی، **تبیین موانع مدیریت بهینه‌ی مرزهای جمهوری اسلامی ایران و پاکستان**، راهبرد دفاعی، سال ۹، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۴۱-۱۰۷، ۱۳۹۰.
- ۸- ترابی، یوسف، **سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات اجتماعی**، دانش سیاسی، سال ۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۱۵-۱۵۸، ۱۳۸۸.
- ۹- جوادی‌ارجمند، محمدجواد و آرش بیدالله‌خانی و پیمان رضایی‌زاده، **تحلیل ژئواستراتژیکی روابط ایران و پاکستان با تأکید بر عامل امنیتی**، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۴، شماره ۱۲، پاییز ۱۳۹۱، صص ۵۱-۷۶، ۱۳۹۱.

- ۱۰- حافظنیا، محمدرضا و محمدباقر قالیباف، **راهبرد توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران از طریق توسعه ی نهادهای محلی**، تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۱، تابستان ۱۳۸۰، صص ۳۹-۶۱، ۱۳۸۰.
- ۱۱- حافظنیا، محمدرضا، **اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک**، مشهد: پاپلی، ۱۳۸۵.
- ۱۲- -----، **جغرافیای سیاسی ایران**، تهران: سمت، ۱۳۸۱.
- ۱۳- -----، **«تحلیل کارکرد مرز بین المللی (مرز ایران و افغانستان)»**، مجله مدرس علوم انسانی، دوره ۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۳، صص ۶۹-۷۸، ۱۳۸۳.
- ۱۴- -----، **«موقعیت سیاسی پنجاب در پاکستان»**، نامه فرهنگ، شماره ۳۳ و ۳۲، صص ۳۱۷-۳۰۶، ۱۳۷۸.
- ۱۵- حسین پورپویان، رضا و مجتهدزاده، پیروز و احمدی پور، زهرا، **«بنیان های جغرافیایی و ژئوپلیتیکی روابط در شبه قاره ی هند»**، فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۲، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۹، صص ۵۵-۷۸، ۱۳۸۹.
- ۱۶- حسین پورپویان، رضا و پیروز مجتهدزاده و محمدرضا حافظنیا و عزت الله عزتی، **«تیین ژئوپلیتیک روابط قدرت در منطقه ی شبه قاره ی هند پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م»**، ژئوپلیتیک، سال ۸، شماره ۳، شماره ۲۷، صص ۱-۳۴، ۱۳۹۱.
- ۱۷- حق پناه، جعفر، **«هویت، قومیت و سیاست خارجی در خاورمیانه»**، سیاست، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰، صص ۸۱-۹۶، ۱۳۹۰.
- ۱۸- خسروی، غلامرضا، **«شیعیان پاکستان»**، مجموعه مقالات مناسبات راهبردی ایران و پاکستان، به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۱۳۹-۱۸۱، ۱۳۹۰.
- ۱۹- خلیلی، محسن، **«بن مایه ی دگرگون شونده ی ژنوم ژئوپلیتیک در خاورمیانه ی عربی»**، مجموعه مقالات همایش اسلام و تحولات خاورمیانه، تهران: سوم اسفند ۱۳۹۰، صص ۵۵-۵۶، ۱۳۹۰.

- ۲۰- خلیلی، محسن و مرتضی مشادی و فهیمه آزموده، «**بایستگی های ژئواکونومیک توسعه‌ی منطقه‌ی جنوب شرق ایران**»، روابط خارجی، سال ۳، شماره ۴، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۰، صص ۸۱-۱۴، ۱۳۹۰.
- ۲۱- زین العابدین، یوسف، **ژئوپلیتیک (ایده-کاربرد)**، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی رشت، ۱۳۸۹.
- ۲۲- عزتی، عزت‌الله، **ژئواستراتژی**، تهران: سمت، ۱۳۷۳.
- ۲۳- عزتی، عزت‌الله، **ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم**، تهران: سمت، ۱۳۸۰.
- ۲۴- عزتی، عزت‌الله و هادی ویسی، «**تحلیل ژئوپلیتیک و ژئواکونومی خط لوله‌ی گاز ایران و هند**»، ژئوپلیتیک، سال ۲، شماره ۲، شماره ۴، تابستان ۱۳۸۵، صص ۲۷-۴۵، ۱۳۸۵.
- ۲۵- قصاب‌زاده، مجید، «**جایگاه ژئواکونومی ایران در منطقه‌ی خاورمیانه بزرگ**»، مجموعه مقالات پنجمین کنگره‌ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، جلد دوم، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی، صص ۳۲۳-۳۲۲، ۱۳۹۱.
- ۲۶- کاویانی‌راد، مراد، «**کارکرد ژئوپلیتیک بلوچستان در مناسبات ایران و پاکستان**»، مجموعه مقالات مناسبات راهبردی ایران و پاکستان، به اهتمام طیبه واعظی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، صص ۱۸۳-۱۳۹۰، ۲۱۳.
- ۲۷- کاویانی‌راد، مراد، **ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۹.
- ۲۸- کاظمی، علی اصغر، (۱۳۶۹)، نقش قدرت در جامعه و روابط بین الملل، نشر قومس: تهران.
- ۲۹- کریمی پور، یدالله، **مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)**، تهران: دانشگاه تربیت معلم، ۱۳۷۹.
- ۳۰- کریمی پور، یدالله و محمدی، حمیدرضا، (۱۳۸۸)، **ژئوپلیتیک ناحیه‌گرایی و تقسیمات کشوری ایران**، انتشارات میرباقری: تهران.

- ۳۱- گل وردی، عیسی، «**مرزها، آسیب‌ها و کارکردها**»، ره‌نامه‌ی سیاست‌گذاری سیاسی دفاعی و امنیتی، سال ۱، شماره‌ی ۲، زمستان ۱۳۸۹، صص ۱۰-۲۷، ۱۳۸۹.
- ۳۲- میرحیدر، دره، «**ژئوپلیتیک: ارائه‌ی تعریفی جدید**»، تحقیقات جغرافیایی، شماره‌ی ۱۳: ۲۲، صص ۳-۲۳، ۱۳۷۷.
- ۳۳- مجتهدزاده، پیروز، «**مرزهای شرق**»، گفتگو، شماره‌ی ۲۱، ۱۳۷۷.
- ۳۴- مجتهدزاده، پیروز، **امیران مرزدار و مرزها خاوری ایران**، ترجمه‌ی حمی‌درضا ملک‌محمدی نوری، تهران: شیرازه، ۱۳۷۸.
- ۳۵- مجتهدزاده، پیروز، **جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی**، سمت: تهران، ۱۳۸۱.
- ۳۶- محمدی، ناصر، **جغرافیای کشورهای همجوار: پاکستان**، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۵.
- ۳۷- مسعودنیا، حسین و صفی‌الله شاه‌قلعه، «**بررسی علل رفتار خشونت‌آمیز نیروهای اسلامی در پاکستان با تأکید بر طالبان‌نیم**»، دانش سیاسی، سال ۵، شماره‌ی ۱، شماره‌ی پیاپی ۹، بهار و تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۹۳-۲۱۸، ۱۳۸۸.
- ۳۸- مسعودنیا، حسین و داود نجفی، «**عوامل مؤثر در تکوین و رشد بنیادگرایی در پاکستان**»، مطالعات شبه‌قاره‌ دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال ۳، شماره‌ی ۸، پاییز ۱۳۹۰، صص ۸۳-۱۱۶، ۱۳۹۰.
- ۳۹- نامی، محمد حسن، **جغرافیای کشور پاکستان با تأکید بر ایالت بلوچستان**، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۸.
- ۴۰- نامی، محمد حسن و فریرز احمدی دهکا، **بررسی چالش‌های حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز**، مجموعه‌ی مقالات پنجمین کنگره‌ی انجمن ژئوپلیتیک ایران، جلد دوم، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی، صص ۱۳-۲۸، ۱۳۹۱.
- ۴۱- نظیف کار، غزاله، نوروزی، حسین، **برآورد استراتژیک پاکستان** (سرزمینی-سیاسی)، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۸۲.

۴۲- نقوی، سیدساجد [گفت و گو با]، «شیعیان و چالش‌های پیش‌رو: وضعیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی شیعیان در پاکستان»، شیعه‌شناسی، سال ۳، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۸۴، صص ۲۰۷-۲۲۶، ۱۳۸۴.

۴۳- هرسیج، حسین و مجتبی تویسرکانی و لیلا جعفری، «ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال ۴، شماره ۲، بهار ۱۳۸۸، صص ۲۲۵-۲۶۹، ۱۳۸۸.

44- Moosavi Jashni, Seyyed Sadroddin; Mohammad, Noorallah "Geopolitics of Development: A Study of the Impacts of IPI Pipeline on Regional Development", Geopolitics Quarterly, Vol.5, No.3, Winter2009, pp. 85-105.

45- Pakistan, Alamance,(12001) Royahbook Company, Pakistan, Karachi. 2001-2002.

References

1- Adami,A."Tasire energi bar gostareshe hamkarihaye Iran ba shebhe gharre" journal of studies Subcontinent of Sistan and Baluchestan University, Year 2, No. 3, Summer 2010, pp. 7-28.

2-Ahmadi,A.and M.Hafeznia "mavane' va shivehaye bazdarandeye tajdide hayate shie' dar jahan" journal of Shia Studies, Year 8, Number 30, Summer 2010.pp 155-193.

3- Ahmadi, H and A. Beydollkhani " talabane pakestan: 'elale paideyesh, maheyat va chaleshhaye 'amniyate" journal of Politics, Volume 42, Number 1, spring 2012, pp. 21-37.

4- Akhbari, M and Nami, H. **joghrafiya marz ba ta'kid bar marzhaye iran**. Tehran, publication by geographical organization of the armed forces, 2009

5-Arefi, M. "Pakistan Shi'e". journal of Shia Science, years 1, 3 and 4, Fall and Winter 2003, pp. 197-211.

6- Ezzati, E. **zheostrategy**. Tehran: Samt Publication. 1994

7- Ezzati, E. **zheopolitic dar gharne bisto yekom**. Tehran: Samt Publication. 2001

8- Ezzati, E and Va'ez H. "**tahlile geopolitic va geo'ekonomie khatte luleye gaz iran va hend**" Year 2, No. 2, Serial No. 4, Summer 2006, pp. 27-45.

- 9- Ghassabzade, M. **"jayegah zheo'ekonomi iran dar khavarmiyaneye bozorg.** Volume II, City: Islamic Azad University. summer 2012, pp 323-332.
- 10- Golverdi, I. **"marzha,asibha va karkerdha"**, Quarterly Of Doctrine Political policy Defense and Security, Year 1, No. 2, Winter 2010.pp 10-27.
- 11- HafizNiya, MR and Ghalibaf, M. **rahborde tozi'e fazai'i ghodrate siyasi dar iran az tarighe tose'eye nahadhaye mahali.** Journal of Geographical Research, Number 61, summer 2001.pp 39-61.
- 12- HafezNiya, M.R. **'osol va mafahime zheopolitic.** Mashhad: Papoly Publication. 2006
- 13- HafezNia, M.R. **joghrafiya'e siyasye iran.** Tehran: Samt Publication. 2002
- 14- Hafeznia, M.R. **tahlile karkarde marze beynolmalali (marz iran va afghanistan)"** Journal Of Modarres Of Humanities, Volume 8, Number 4, Winter 2004.pp 69-78.
- 15- Hafeznia, M.R. **"mou'gheiyat siyasiye panjab dar pakestan"** Letter of culture, the number 33 and 32. Spring 1999. pp. 317-306.
- 16- Haghpanah, J. **"hoviyat, ghomeyat va siyasate khareji dar khavarmeyane"** Journal of Policy, Volume 41, Number 1, spring 2011.pp 81-96.
- 17- Harsij, H. Toysirkani,M and Jafari,l. **"zheopolitice ghodrate narme iran"**, Journal Of Political Science, Year 4, No. 2, Spring 2009. pp225-269.
- 18-Hosynporyan, R.(et all).**"bonyanhaye joghrafiiai va zheopoliticie ravabete shebhe ghareye hend "** Journal Of studies Subcontinent of Sistan and Baluchestan University, Year 2, No. 5, Winter 2010, pp. 55-78.
- 19- Hosynporyan, R. (et all). **Tabyin-e- zheopolitice ravabete ghodrat dar mantagheye shebhe ghareye hend pas az vaghaye'e 11 septambre 2001 miladi.** international Journal Of zheopolitics, Year 8, Number 3, Serial No. 27, fall 2012, pp. 1-34.
- 20- Izaddust, M. **gozareshe tahlili (naghshe artesh dar hayatye siyasio pakestan)"**, Journal Of Foreign Policy, 16 years, NO 2, summer 2001 .pp 535-548.
- 21- Javadyarjmand, MJ and A. Beydollakhani. **"tahlile zheosterategikie ravabete iran va pakestan ba takid bar amele amniati"** Journal Of studies Subcontinent of Sistan and Baluchistan University, Year 4, No. 12, fall 2012, pp. 51-76.

- 22- Karimipur, y. **moghadamei'i bar iran va hamsayegan (manabe tanesh va tahdid)**, Tehran, Publication by University teacher training. 2000
- 23- Karimipur, y. **zheopolitice naheyegarai'i va taghsimate keshvari iran**, Tehran, publication by Mirbagheri. 2009
- 24- Kaviani, M. **karkarde zheopolitice baluchestan dar monasebate iran va pakestan**. in book: Tayebe vaezi [effort] strategic relations between Pakistan and Iran, Tehran, Institute for Strategic Studies, 2011, pp. 183-213.
- 25- Kavianirad, M. **nahiyegera'i dar Iran 'az man**, Tehran, Institute for Strategic Studies. 2010
- 26- Kazemi, AA. **naghshe ghodrat dar jame'e va ravabete baynolmelal**, Tehran: Ghoomes publication. 1990
- 27- Khalili, M. **"bonmayeye degargon shavandeye zhenome zheopolitic dar khavarmiyaneye arabi"**. Tehran: Third Persian date march, 2011, pp 55-56.
- 28- Khalili, M. Manshadi. M and Azmoodeh, F. **" bayestagihaye zheo'ekonomike tose'ye mantagheye jonobe sharghe iran,"** Journal Of Foreign Relations, Year 3, No. 4, Serial No. 12, Winter 2011, pp. 81-14.
- 29- Khosravi, G. **"shi'ayane pakestan"**, in book: Tayebe vaezi [effort] Strategic relations between Pakistan and Iran. , Tehran, Institute for Strategic Studies, 2011, pp. 139-181.
- 30- Mas'udnia, H. and Shahghale,S, **" barrasie elale raftare khoshonat amize nirohaye eslami dar pakestan ba takid bar talebanism,"** Political Science, Year 5, No. 1, Serial No. 9, spring and summer 2009, pp. 193-218.
- 31- Mas'udnia, H. and Najafi, D. **"a'vamele moa'ser dar takvin va roshde bonyadgerai'i dar pakestan"**. Journal Of studies subcontinent of Sistan and Baluchestan University, Year 3, No. 8, fall 2011, pp. 83-116.
- 32- Mirheydar, D. **"zheopolitic: 'era'eye ta'rifi jadid"** Journal Of Geographical Research, No.13. winter 1998, pp.3-23
- 33- Mojtahedzade, P. **"marzhaye shargh"**, Goftegoo Quarterly, No. 21. 1998
- 34- Mojtahedzade, P. **"amirane marzdar va marzhaye khavari iran"**, Translat by hamid reza malek ohamadi noori, Tehran, shirazeh Publication. 1999
- 35- Mojtahedzade, P. **"joghrafiaye siyasi va siyasate joghrafiayi"**, Tehran, samt Publication. 2002

36- Mohammadi, N. **joghrafiaye keshvarhaye hajavar: pakestan**, Tehran, Publication by geographical organization of the armed forces. 2006

37- Nami, MH. **joghrafiaye keshvare pakestan ba ta'kid bar 'eyalate baluchestan**. Publication by Tehran, geographical organization of the armed forces. 2009

38- Nami, MH and Ahmadi Dehka, F. **barrasie chaleshhaye hakemeyatie jomhori 'eslamiy iran dar khaliye fars va tangeye hormoz**. Proceedings of the Fifth Congress of Iranian geopolitics, Volume II, City: Islamic Azad University. Spring 2012, pp 13-28

39- Naghavi, SJ. [interview] shiayan va chaleshhaye pishru: vaz'iyate siyasi, 'eghtesadi va farhangie shia'yan dar pakestan," Journal Of Shia Studies,, Year 3, No. 10, Summer 2005, pp. 207-226.

40- Nazifkar, Gh, Noroozi, H. **baravorde 'esteratezhik pakestan (sarzamini-siyasi)**. Tehran, Abrar Moaser Publication. 2003

41- Pakistan, Alamance, (12001) **Royahbook Company**. Pakistan, Karachi. 2001-2002.

42- Pishgahyfarad, Zand and Ghodsi,A. " **barrasi va tahlile vizhagihaye zheopolitie pakestan va nagshe 'an dar ravabet ba sayere keshvarha,**" Journal Of Geographical Research, No. 63, Spring 2008, pp. 81-100.

43- Pishgahyfarad, Z. and M. Mirzadeh Kohshahy. "**tabyin-e-mavane'e modireyate behaineye marzhaye jomhoriy 'eslamie iran va pakestan,**" Journal Of defense strategy, Year 9, No. 35, Winter 2011, pp. 141-107.

44- Torabi, J. **siyasathaye jomhoriy 'eslamie iran dar modireyate tanavo'ate 'ejtemai'i,** " Journal Of Political Science, Year 5, Number 1, Spring and Summer 2009,pp 115-158.

45- Zeynol'abedin, J. **zheopolitic (ide-karbord)**. Rasht, Publication by Islamic Azad University. 2010.